

مسجد چهار ایوانی

دکتر حشمت‌الله متدین*

چکیده:

در ایران قبل از عهد سلجوقیان مساجد مختلفی ساخته می‌شوند که اغلب به تقلید از مساجد عباسی بصورت شبستانی می‌باشند. ولی از قرن پنجم هجری و در قلب کویر مرکزی ایران نقشه‌ای بوجود می‌آید که ریشه در معماری قبل از اسلام ایران دارد. از این زمان به بعد گونه عام چهار ایوانی به عنوان نمادی از فضای ایرانی، الگو نقشه مساجد این خطه می‌گردد.

چرا و چگونه چنین الگویی طرح مساجد عباسی را متحول می‌سازد؟ در این مقاله ضمن مطرح کردن دیدگاه‌های مختلف و ارائه نظریه، به پاسخگویی به این سؤال خواهیم پرداخت.

کلید واژه:

معماری ایرانی - اسلامی، مسجد ایرانی، مسجد چهار طاقی، چهار طاقی - گنبدخانه، عهد سلجوقی، تداوم معماری ایرانی.

* استادیار گروه آموزشی معماری، دانشکده هنرهای زیبا - دانشگاه تهران.

یکی از مسائل بسیار جالب توجه در تاریخ معماری اسلامی جهان، نحوه شکل‌گیری مساجد ایرانی است. باستان‌شناسان و محققان علاقمند به معماری اسلامی سالها در پی ریشه‌یابی طرح مسجد ایرانی و معرفی گونه عام چهار ایوانی به عنوان نمادی از فضای ایرانی بوده‌اند.

در این خلاصه بدون نگاه به تاریخ تحول مسجد در ایران در ابتداء به تشریح این نقشه پرداخته و سپس به علل بوجود آمدن مسجد چهار ایوانی و ریشه‌های آن خواهیم پرداخت.

معرفی مسجد چهار ایوانی:

از دوران سلجوقیان و از اوائل قرن پنجم هجری نقشه مسجدی در بخش مرکزی ایران در شهرهای زواره، اردستان، اصفهان، ... پدیدار می‌شود که تاکنون به عنوان نمونه و مظهر مساجد این خطه پایدار مانده است. مهمترین نوآوری در این مساجد اتاق گنبددار (محراب خانه) باشکوه در ضلع سمت قبله و داشتن چهار ایوان در وسط نماهای داخلی مساجد می‌باشد.

از جهت تاریخی اولین مسجد از این نوع که به طور کامل براساس این نقشه بنا شده را می‌توان مسجد جامع زواره دانست که تاریخ اتمام آن براساس کتیبه‌ای که در مسجد نقش بسته سال ۵۳۰ هجری قمری (۱۱۳۵ میلادی) را نشان می‌دهد. ولی مهمترین این نوع نقشه را در مسجد جامع اصفهان شاهد هستیم که بصورت مرحله‌ای به شکل چهار ایوانی تغییر شکل داده است.^(۱)

مساجد جمعه اردستان، نطنز، مسجد گوهرشاد مشهد، مسجد امام اصفهان، از نمونه‌های بعدی اینگونه مساجد می‌باشند. (تصویر ۱)

از خصوصیات بارز این گونه نقشه وجود حیاط مستطیل شکل است که در نماهای اطراف بوسیله طاق و یا طاق نماها در یک یا دو طبقه محصور شده است. در وسط هر نما ایوانی رفیع خودنمایی کرده که بوسیله نیم گنبد و یا طاق گهوارهای بار سقف را منتقل

نموده و ورودی به گنبدخانه و یا شبستانهای اطراف را برقرار می‌نماید. این عنصر به عنوان عنصری واسط و نیمه باز بین حیاط به عنوان فضای باز و شبستانها به عنوان فضای بسته عمل می‌نماید. از سوی دیگر از دید زیباشناسی مفصلی است مابین فضاهای معماری مسجد.

لوسین گولون (Golvin) می‌نویسد: «این نسخه جدید آنچنان نقشه مساجد را متحول می‌کند که نه تنها رواق مرکزی مساجد سبک عربی (nef axial) که معمولاً بزرگتر از رواق‌های دیگر می‌باشد را متحول می‌نماید بلکه به نماهای دیگر مساجد نیز توسعه می‌یابد.»^(۲) گولون حتی از این نیز جلوتر رفته و محراب را همچون ایوانی کوچک می‌شمارد. او می‌نویسد: «همانگونه که ایوان واسطی بین حیاط و سالن گنبدخانه است به همانگونه محراب نیز همچون ایوانی کوچک رابطی است بین دنیای مادی و دنیای شهودی و معنوی.»^(۳) برای توجه دادن به ایوان در نماهای داخلی حتی ارتفاع آنها از ردیف طاقهای اطراف بالاتر برده و بدین ترتیب به اهمیت وجودی و نقش مرکزی آنها تکیه بیشتری می‌گردد. و بدین ترتیب نقشه چهار بخشی با در نظر گرفتن چهار جهت محورهای اصل توجه خاصی به مرکزیت می‌بخشد.

روژه گارودی (Garaudy) نویسنده و اسلام‌شناس معروف فرانسوی در کتاب «مسجد، آینه اسلام» می‌نویسد: «پس از ظهور نوع جدید مسجد ایرانی ویژگیهای آن بدین‌گونه بصورت الگو مطرح می‌گردند: ۱. آجر، به عنوان مصالح اصلی و غالب در ساختمان مسجد.

۲. پوشش سقفها بوسله گنبد و نقش برجسته گنبد اصلی در ضلع سمت قبله.

۳. محصور شدن حیاط بوسیله طاق نماها و ایجاد نقشه صلیبی بوسیله چهار ایوان رفیع و در نتیجه برخلاف مساجد سبک مغربی و عباسی، تسلط کامل هندسه مرکزی و تمرکز بر وسط حیاط.

۴. قوس جناغی، نمادی از معماری ایرانی.

۵. تسلط مسجد بر بافت مسکونی

اطراف، با دیده شدن احجام از داخل و خارج آن.»^(۴)

با توجه به نحوه شکل‌پذیری عنصر این نقشه اکنون می‌توان این سؤال را مطرح نمود که چرا و چگونه چنین الگویی طرح مساجد سبک عباسی را در خطه ایران متحول می‌سازد. در سطرهای آینده ضمن مطرح کردن دیدگاه‌های متفاوت موجود و ارزیابی نظریه سعی ما پاسخگویی به این سؤال خواهد بود.

ریشه‌های شکل‌گیری طرح مسجد چهار ایوانی:

درباره طرح مسجد چهار ایوانی تحقیقات زیادی انجام شده و بخصوص درباره ریشه‌های شکل‌گیری آن نظریه‌های بسیاری موجود می‌باشد. از آنجائی که برای بسیاری از محققان علت‌های دیگری نیز جهت شکل‌گیری گونه عام چهار ایوانی وجود دارد در این تحقیق ضمن نقد نظریات به ارزیابی نظریه جدیدی خواهیم پرداخت.

برخی از باستان‌شناسان ریشه اینگونه نقشه‌ها را در فرهنگ‌های غیرایرانی جستجو کرده‌اند. کرسول (Creswell) در تحقیقی پیرامون مدارس با نقشه چهار بخشی که در سال ۱۹۹۲ میلادی انتشار می‌یابد مدعی است که این الگو ریشه مصری دارد.^(۵) با تحقیق در مورد این ادعا متوجه می‌شویم که اولین مدرسه چهار ایوانی دوره ایوبیان مصر (الصالحیه) در سال ۶۰۲ ه.ق. (۱۲۴۱ میلادی) ساخته می‌شود در حالی که در شرق ایران بسیار قبل از این تاریخ تعداد بسیاری از ابنیه با نقشه چهار بخشی وجود داشته است. به عنوان مثال قصر لشکری بازار که در زمان سلطان محمود نزنوی بنا می‌شود چهار ایوانی است که متعلق به ۴۲۱-۲۸۸ ه.ق بوده و تقریباً سه قرن قبل از ظهور چنین نقشه‌ای در مصر ساخته شده است. بعلاوه همانگونه که قبلاً اشاره شد در دوران سلجوقی مسجد زواره (۵۳۰ ه.ق) با این نقشه بنا می‌گردد. آندره گدار (Godard) که مدتها در این مورد تحقیق نموده در جواب افرادی که مدارس عرب را الگوی

مساجد ایرانی می‌شمارند، چنین می‌نویسد: «حتی اولین مدرسه سلجوقی بغداد (المستنصریه) به سال ۱۲۲۶ - ۱۲۴۱ میلادی ساخته شده، در حالی که در زواره اولین مسجد بدین سبک در سال ۱۱۳۵ (یعنی هزار سال قبل از آن) ساخته شده بود. این تفاوت زمانی نشان می‌دهد که مدارس چهار ایوانی عربی نمی‌توانند الگوی مسجد چهار ایوانی قرار گرفته باشند.»^(۶)

ارنست دایز (Diez) آلمانی نظری دیگر را بیان کرده است. او می‌نویسد: «چنین فرمی اولین بار در مدرسه ظهور پیدا می‌کند. مدرسه ماهیتاً نمی‌تواند ریشه ایرانی داشته باشد بلکه اصل آن ترکی است.»^(۷) به نظر وی مسجد ایرانی در پذیرش این الگو مقلد مدارس ترکهای سلجوقی بوده است. می‌دانیم که تمامی اقوامی که ایران را به تسخیر در آوردند، از جمله سلاجقه ترک، مغولان و ... اغلب از اقوام چادرنشین بوده و سابقه معماری با ارزشی نداشته‌اند، لذا حتی اگر فرضیه دایز را قبول نمائیم نمی‌توان پذیرفت که ایوان ریشه در فرهنگ معماری غیرایرانی داشته باشد. میشل تراس (Terrasse) باستان‌شناس فرانسوی در بخش معماری اسلامی اطلس معماری جهانی این نظر را چنین تأیید می‌نماید: «هرچند چندین قرن بطول انجامید ولی بالاخره معماری اسلامی نقشه چهار ایوانی که ریشه‌ای دیرینه در معماری ایرانی داشت را پذیرفت.»^(۸)

گذار در تحقیقات بعدی خود مدرسه نظامیه خرگرد را مقدم بر مدارس چهار-ایوانه برشمرد.^(۹) همانطور که می‌دانیم این مدرسه در خراسان و بدست معماران چیره‌دست این خطه ساخته شده و بنابراین مؤید ریشه این عنصر می‌باشد. در ثانی بسیاری از باستان‌شناسان از جمله پوپ (Pope)، سار (Sarre)، سیرو (Siroux)، ... معتقدند که ایوان ابنیه اسلامی برگرفته از معماری قبل از اسلام ایران است که نمونه‌های آنرا می‌توان در فیروزآباد، سروستان، تیسفون مشاهده نمود. نوعی دیگر از توجیهاات علل بوجود

آمدن نقشه چهار ایوانی در پاره‌ای از تحلیل‌های معماری اسلامی این دوران ریشه آنرا در مدارس اهل تسنن جستجو می‌کند. اوتو دورن (Otto-Dorn) در کتاب هنر اسلامی، با ذکر این فرضیه چنین می‌نویسد: «مدرسه چهار ایوانی مقدم بر مسجد چهار ایوانی است و علت چهار ایوانه بودن مدرسه به جهت وجود چهار مذهب یا فرقه اهل تسنن (شافعی، مالکی، حنفی و حنبلی) بوده است که در چهار سمت حیاط هرکدام مدرس خود را داشته و به تعلیم مذهب خود می‌پرداختند.»^(۱۰)

برای رد چنین نظریه‌ای باید بیان نمود که اولاً در هر شهر بعید به نظر می‌رسد که مذاهب مختلف که اغلب با هم اختلاف نظر دارند در کنار هم و در یک مدرسه به ترویج فقه خود بپردازند و معمولاً شهرهای اسلامی به فرض بودن مذاهب و فرقه در کنار هم، محلات و مدارس جدا از هم داشته‌اند. در ثانی مدارس شیعه ایران همگی از چنین نقشه‌ای برخوردار هستند و کوچکترین تغییری در نقشه چهار ایوانی در این مدارس داده نشده است. هنگام ساختن مدارس صفوی شیعه همچون مدرسه چهار باغ اصفهان نیز کمترین تغییر در این نقشه حاصل نشده است. در صورتی که اگر این چهار ایوان به چهار فرقه اهل تسنن وابستگی می‌داشت هرگز مورد تقلید شیعیان متعصب آن عهد قرار نمی‌گرفت.

ژان سواجه (Sauvaget) باستان‌شناسان فرانسوی پا را از این هم فراتر نهاده و نظریه اوتو دورن را حتی به مسجد کوچکی همچون مسجد جامع اردستان تعمیم می‌دهد. او با توجه به کتیبه‌ای در این مسجد که از مذاهب مختلف و اتحاد آنها صحبت می‌نماید چنین نتیجه می‌گیرد که این مسجد در اصل مدرسه‌ای چهار ایوانی در خدمت چهار فرقه اهل تسنن بوده است.^(۱۱)

براساس کتب تاریخی، این منطقه از زمان سلاطین آل‌بویه منطقه‌ای شیعه‌نشین بوده است.^(۱۲) از طرف دیگر مشکل می‌توان برای شهر کوچکی چون

اردستان در قلب کویر ایران وجود چنین فرقه‌هایی را متصور بود. با یک بررسی تاریخی متوجه می‌شویم که این مسجد نیز همچون مسجد جامع اصفهان با تغییر سبک شبستانی به چهار ایوانی بوجود آمده است. همچنین با دقت در نقشه آن با شش ورودی مستقیم و غیرمستقیم مواجه می‌شویم که نمی‌تواند در نقشه مدارس بکار گرفته شده باشد. معمولاً تعداد ورودیهای این مدارس کمتر و شکلی غیرمستقیم داشته تا موجب ایجاد آرامش در صحن اصلی آنها گردد. بنابراین چنین نظریه‌ای قابل قبول بنظر نمی‌رسد.

خانم وکت گوکنیل (Voct-Goknil) نویسنده کتاب «معماری اسلامی» از نگاهی دیگر این نظریه را تأیید می‌نماید. او می‌نویسد: «ترک‌های سلجوقی از نژادی صحرائشین بوده و زبان معماری خود را از ایران قدیم به عاریت گرفتند. اگر چه آنها برای اقتدار خود بر بخش وسیعی از سرزمین‌های اسلامی با تکیه بر قدرت غیرایرانی به تحکیم پایه‌های مذهب اهل تسنن پرداختند ولی نقشه چهار ایوانی ابنیه خود را از ایرانیان تقلید نمودند. این نقشه و فرمول معمارانه جدید حتی تا قرن‌ها بعد نقشه الگوئی ابنیه این خطه گشته و حتی به سرزمین‌های اسلامی دیگر منتقل می‌شود.»^(۱۳)

اصولاً در ایران از زمان‌های دورتر نوعی تمایل به هندسه متمرکز در حیاط‌های مرکزی وجود داشته است. بنابراین نسخه ویژه برای ایجاد تمرکز پیچیده می‌شود و آن نقشه چهار ایوانی می‌باشد. گرچه یکی از عناصر (گنبدخانه) از پر اهمیت‌ترین بخش‌های مسجد می‌شود ولی نقش حیاط چهار ایوانی را می‌توان مکمل این عنصر در هنر مسجدسازی ایرانیان دانست. با وجود اینکه نمود اصلی این نقشه در مساجد و مدارس این خطه بوده است ولی این نقشه همزمان در دیگر عناصر شهری همچون کاروانسرا، میادین، حسینیه‌ها، باغها، و ... نیز اجرا شده است.^(۱۴) تشابه فوق‌العاده چنین نقشه‌ای با تنوع عملکردی مختلف تنها و تنها در ایران این دوره دیده می‌شود.

نثوری دیگر بوجود آمدن این نقشه در کتاب «اصفهان تصویر بهشت» از استیرلین (Stierlin) بیشتر به جنبه‌های نمادین پدید آمدن این چهار ایوان می‌پردازد و با دید تازه‌ای این الگو نقشه را تشریح می‌نماید. از نگاه وی حیاط اینگونه مساجد سقفی آسمانی دارد. او می‌نویسد: «حیاط مرکزی چهار بخشی در مساجد ایرانی نقش ویژه‌ای را دارا می‌باشد. این حیاط برخلاف مساجد سبک عربی تنها برقرار کننده ارتباط مابین عملکردهای مختلف مسجد نبوده بلکه مهمترین بخش ساختمان را شامل می‌گردد. گویی تمامی عناصر مسجد از این نقطه مرکزی شکل یافته و انسان در وسط چنین فضایی با در نظر گرفتن تزیینات و تناسبات ایوانها در مرکز فضائی مقدس احساس می‌شود که گنبد آسمان به مثابه گنبد آن است.» (۱۵)

براساس این توصیف‌ها حیاط مساجد ایرانی در عین حال فضائی است داخلی و خارجی که در تصور داخلی آن گنبدی آسمانی دارد که توسط چهار ایوانی رفیع همانند چهار پایه نگهداری می‌شود. البته از نظر ما این توجیه نمادین صحن مساجد چهار ایوانی بیشتر به نمونه‌های صفوی آن و بخصوص مسجد امام اصفهان با کاشی‌های زیبا تعلق دارد. چنین بیانهای زیبا و دلنشین از نظر ما نمی‌تواند علت وجودی ساخت این مساجد را توجیه نماید. به نظر می‌رسد که برای پیدا نمودن این علت بایستی به دوران ماقبل سلجوقیان رجوع نموده و وجود این نقشه را در ساخت دیگر ابنیه جستجو کرد. علی‌مظاهری در کتاب «گنجینه‌های ایران» می‌نویسد: «در زمان عباسیان تمامی شیعیان و بخصوص ایرانیان شیعه در رنج و زحمت بودند و سعی می‌گردید تا آنها از دستگاه‌های حکومتی بدور باشند. آنها ترجیح می‌دادند به جای ایرانیان آزاده و لایق از خدمت غلامان ترک فرمانبردار استفاده نمایند. ولی از آنجائی که مهارت معماری در خدمت ایرانیان بود معماران شیعه ایرانی از طریق هنر معماری شکلها و فرمهای منطقه‌ای خود را جهت مخالفت با سلاطین بنی‌عباس در

ساختمانهای آنها وارد نمودند.» (۱۶) بدیت ترتیب قصرهای عباسی حاشیه دجله همچون «اوخیضیر» و «بالقورا» با حیاطها و سالنهای چهار بخشی به تقلید معماری قبل از اسلام ایران ساخته شد.

اوتادورن نیز این نظریه را مورد تأیید قرار می‌دهد. او می‌نویسد: «حیاطهای کاخهای عباسیان برای نخستین بار در تاریخ معماری اسلامی این منطقه چهار بخشی و بدست معماران ایرانی ساخته می‌شود. این نقشه بیشتر به معماری مسکن ناحیه خراسان متعلق است.» (۱۷)

با توجه به این گفته‌ها از آنجایی که بدون شناخت ویژگی‌های این معماری منطقه‌ای امکان ایجاد تداوم آن در دوره اسلامی مقدور نمی‌باشد قبل از ادامه بحث و جهت اثبات نظریه خود بناچار بطور خلاصه به آن پرداخته و سپس به ارایه نتیجه پرداخته خواهد شد.

می‌دانیم که قبل از اسلام دو نمونه بارز در معماری ایران خودنمائی می‌کند. یکی از آنها چهار طاقی آتشکده‌ها و دیگر ایوانهای رفیع قصرهای ساسانی و پارتی می‌باشند. در دوران پارتها ایوان اهمیت ویژه‌ای داشته و علیرغم آنکه از نمونه‌های آنها در ایران کنونی چیزی باقی نمانده ولی کاخ‌های آشور و هاترا در بین‌النهرین مؤید نظر ما می‌باشد. بنابراین نقشه خانه‌ها و کاخ‌های چهار ایوانی که بیشتر در ناحیه خراسان وجود داشته مورد تقلید هنرمند دوران‌های آینده قرار می‌گیرد. شرآتو (Scerratto) چنین می‌نویسد: «در قصرهای غزنویان نقشه چهار ایوانی این منطقه ناحیه خراسان تکرار می‌گردد. معماران چیره‌دست خراسانی در قصرهای لشکری بازار و همچنین قصر مسعود در غزنه که متعلق به قرن دهم و یازدهم میلادی است طرح ایرانی را تکرار می‌نمایند.» (۱۸)

نتیجه‌گیری:

بنابراین همگی این مثالها ریشه ایرانی اینگونه نقشه‌ها را نشان می‌دهد. از قرن پنجم هجری (دوازدهم میلادی) این الگو در مساجد شهرهای مرکزی کویر ایران ظهور

پیدا می‌کند. به نظر ما اگر چنین نقشه‌ای در زمان سلجوقیان برای نخستین بار در شهرهای شیعه همچون زواره و ارنستان ساخته می‌شود. این مطلب حاکی ز نفوذ اقلیت شیعه در بوجود آمدن مسجد ایرانی می‌باشد. این شهرها از زمان سلاطین آل بویه شیعه مذهب بوده و حتی زواره با اکثریت سید به مدینه السادات معروف است. استیرلین در کتاب «معماری اسلامی» به گونه‌ای دیگر این مسئله را متذکر می‌گردد: «در زمان ترکان متعصب اهل سنت نقشه چهار ایوانی ایرانی در ساخت مدارس و مساجد قوت می‌گیرد. در حقیقت تداوم استفاده از این الگو بخاطر نفوذ شیعیان خراسانی است که از زمان ملاقات آنها زمان استقرار در این ناحیه بوجود آمده است.» (۱۹) بنابراین گفته وی بار دیگر صحت این فرضیه نشان می‌دهد.

شاید بتوان با توجه به مطالبی که گفته شد این دو سؤال کلیدی را مطرح نمود: چرا حیاط چهار ایوانی در ایران نقشه اصلی مساجد زمان سلجوقیان می‌گردد؟ و چگونه است که چنین نقشه‌ای تا زمان صفویان و حتی بعد از آن بدون کمترین تغییر تداوم می‌یابد؟

از نظر ما جواب این سئوالات ریشه‌ای شیعی - ایرانی دارد. با مراجعه به تاریخ در کنار حقانیت مذهب اهل تشیع و پذیرش و اقبال ایرانیان حقیقو که با روحیه دلاوری، مردانگی، فتوت به سمت ائمه اطهار گرایش پیدا نمودند می‌توان یکی از دلایل دیگر حرکت در ابتدا مخفی و سرانجام آشکار ایرانیان به تشیع اثنی عشری را در جهت ایجاد مقاومت علیه حکام بنی‌امیه و بنی‌عباس که خواهان تحمیل اشرافیت عرب به ایرانیان بودند، ذکر نمود. آنها با پذیرا شدن شیعه امامیه از سوی دیگر توانستند سدی فرهنگی در مقابله با کلیه متجاوزین از جمله سلاجقه، مغولان، ... ایجاد نمایند.

نمود این حرکت فرهنگی را می‌توان همچون نبردی معمارانه در تداوم فرمهای ملی جستجو نمود. در حقیقت بخشی از این تداوم معمارانه

۱۱. نگاه کنید به:
 Jean SAUVAGET, Observation sur quelques mosquées seldjoukides, Annales de l'Institut d'Etude Oriental, Caire 1938, p. 116.
 ۱۲. رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم: آتشکده اردستان، انتشارات نوین، تهران ۱۳۳۶.
 ۱۳. نگاه کنید به:
 Ulya VOCT-GOKNIL, Grands courants de l'architecture islamique (mosquée), éd Chene, Paris 1975, p. 82.
 ۱۴. نگاه کنید به:
 Maxime Siroux, Caravansérails de l'Iran, tome (8) des publications de l'Institut français d'archéologie de Caire 1949, pp. 45-50.
 ۱۵. نگاه کنید به:
 Henri STIERLIN, Ispahân, image du Paradis, éd. Lausanne, Paris 1976, p. 74.
 ۱۶. نگاه کنید به:
 ALI MAZAHARI, Les Trésors de l'Iran, éd. Skira, Genève 1970, p. 172.
 ۱۷. نگاه کنید به:
 Katharina OTTO-DORN, L'Art de l'Islam, éd. A. Michel, Paris 1967, p. 103.
 ۱۸. نگاه کنید به:
 Unberto SCERRATO, Islam, éd. Fernand Nathan, Paris 1977, p. 65.
 ۱۹. نگاه کنید به:
 Henri STIERLIN, Architecture de l'Islam, Office du livre, Friboury - Suisse 1979, p. 97.
 ۲۰. البته نفوذ خواجه نظام الملک وزیر خراسانی دوره ملکشاه را می توان از عوامل مهم دیگر این حرکت معمارانه ایرانیان دانست.
 ۲۱. فی‌المثل در سقف گنبد خانه مسجد جامع زواره به جای هشت و یا شانزده قسمت و یا دلیل که غالباً در گنبد‌های عهد سلجوقی بکار گرفته و به هشت ضلعی بالای چهار دیوار گنبد خانه انتقال پیدا می‌نماید تقسیمات دوازده بصورت غیرطبیعی را می‌توان مشاهده کرد که بر روی گوشواره‌ها انتقال یافته‌اند. این مسئله می‌تواند وابسته به نام دوازده امام شیعه اثنی‌عشری باشد که مخفیانه در سقف این مسجد تبلیغ شده است. حوض دوازده پره مسجد جامع اصفهان، سقف مقبره شاه نعمت‌الله ولی در ماهان کرمان و دوازده ستون گنبدخانه مسجد جامع اصفهان و ... نیز می‌توانند نمونه‌های دیگر ادعا باشند.

۴. نگاه کنید به:
 Roger GARAUDY, Mosquée, Miroir de l'Islam, éd du Jaguar, Paris 1985, pp. 244-246.
 ۵. نگاه کنید به:
 هیلن براند، رابرت: معمار اسلامی. ترجمه ایرج اعتصام. انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهر، تهران ۱۳۷۷، ص ۲۲۵.
 ۶. نگاه کنید به:
 A. GODARD, Les anciennes Mosquées de l'Irân, Atar-é Iran, I, 1936, 2, pp. 187-210; dans le même volume, pp. 285-309, L'origine de la mosquée et du caravansérail a quatre iwans. Ars Islamica, XV-XVI, 1951, 1-9, Ib, les anciennes mosquées de l'Iran, Arts Islamiques, III, 1956, pp. 48-88 - M.B. Smith, Manâr and masjid-é Barsiân, Ars Islamica, IV, 1937, pp. 7-14.
 ۷. نگاه کنید به:
 Ernest DIEZ, Propyläen Kunst Geschichte, Die Kumet des Islam, Berlin 1940, p. 54.
 cf. Ulya VOCT-GOKNIL, Grands courants de l'architecture islamique (mosquée), éd Chene, Paris 2975, p. 80.
 ۸. نگاه کنید به:
 Michel TERRASSE, L'architecture du monde Iranien, dans Architecture Islamique, Grand Atlas de l'architecture mondiale, éd. E.U.F., Paris 1988.
 ۹. مدرسه نظامیه خرگرد در اطراف یک حیاط مربع شکل، شکل گرفته که چهار ایوان در چهار سمت محورهای اصلی آن قرار دارد. در اطراف آن محل مدرس و اتاق‌های طلبه‌ها می‌باشد. با توجه به این نقشه می‌توان اولین مدرسه چهار ایوانی شناخته شده را این مدرسه نامید.
 نگاه کنید به:
 A. Godard, L'art de l'Iran, Paris, 1962, p. 359.
 ۱۰. نگاه کنید به:
 Katharina OTTO-DORN, L'Art de l'Islam, éd. A. Michel, Paris 1967, p. 103.
 همچنین آواد (Awad) در مجله Summer از قول ابن بطوطه مدرسه المستنصریه را به گونه‌ای تشریح می‌کند که هر ایوان را متعلق به یکی از فِرَق مذهب اهل تسنن می‌داند.
 نگاه کنید به:
 Gurgis Awad, The Mustansirieh college.

همچون مقاومتی منطقه‌ای باعث قبول و امتداد ساخت مساجد، مدارس و ... چهار ایوانی می‌گردد. وقتی متوجه می‌شویم که اولین مساجد چهار ایوانی، زواره، اردستان، و ... در دوران سلجوقیان پس از پیروزی آنها بر شیعیان حاکم بر منطقه شکل می‌گیرد این فرضیه بدین‌گونه قابل قبول بنظر خواهد رسید. (۲۰)

بنابراین جهت پاسخگویی به سؤال اول می‌توان چنین پاسخگو بود که این مسئله بهانه معماران شیعه ایرانی بوده که شاید به صورت مخفی (۲۱) خواهان کنار زدن نقشه شبستانی مساجد سبک عباسی بودند تا نقشه‌های ایرانی را جایگزین آن سازند. و برای دومین سؤال، این نقشه تغییر نمی‌یابد چون این مذهب روز به روز در ایران اقبال بیشتری پیدا نموده و در دوران صفویه مذهب رسمی کشور می‌گردد و ایرانی اسلامی - شیعی تأسیس می‌شود و به همین جهت نقشه چهار ایوانی نیز تاکنون محفوظ و سمبل فضائی ایرانی است.

پی‌نوشتها:

۱. براساس نوشته‌های مورخ عرب (ابن اسیر) مسجد جامع اصفهان در زمان سلجوقیان و در سال ۵۱۰ ه.ق بدست باتنی‌های اسماعیلی شیعه به جهت مخالفت شدید با سلاجقه به آتش کشیده می‌شود. المفروقی مورخ دیگر عرب که کتاب تاریخ اصفهان را به رشته تحریر در آورده است نیز مسجد را در سال ۴۲۱ ه.ق قبل از تخریب با نقشه دیگر شبیه مساجد سبک عباسی به صورت شبستانی توصیف نموده است. بنابراین در این بخش تخریب شده تصمیم به تغییر نقشه مساجد سبک عباسی به شکل مسجد چهار ایوانی گرفته شده است. آندره گدار در کتاب «هنر ایران» با ذکر تاریخ‌های متفاوت ساخت ایوانها به این نکته اشاره می‌نماید.
 نگاه کنید به:

۱. A. Godard, L'art de l'Iran, Paris, 1962, p.355.

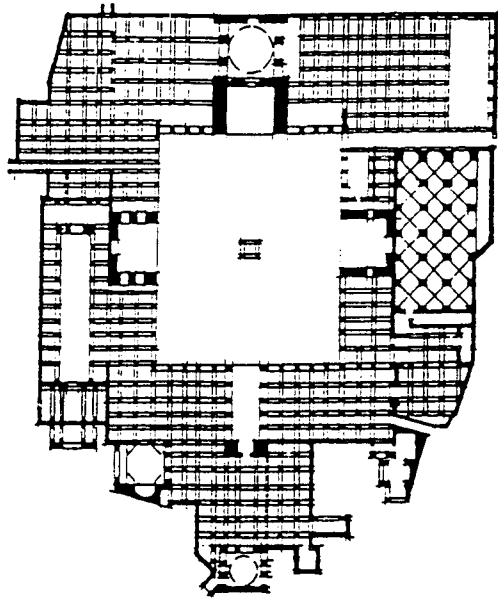
۲. نگاه کنید به:

Lucien GOLVIN, Essai sur l'architecture religieuse musulmane, Tome. 1, éd. Klinicksick, Paris 1970, p. 176.

۳. نگاه کنید به:

Lucien GOLVIN, Essai sur l'architecture religieuse musulmane, Tome. 1, éd.

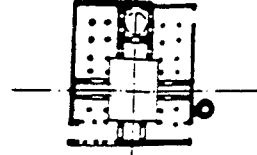
Perse: La mosquée à cour cruciforme



1: GRANDE-MOSQUEE DE ISPAHAN

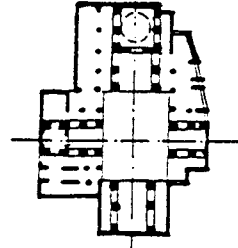
مسجد جامع اصفهان

مسجد جامع زواره

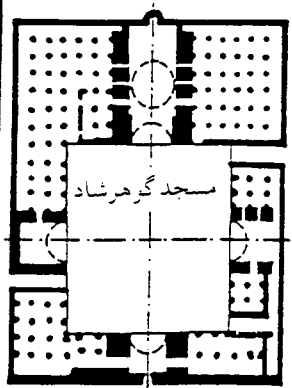


2: GRANDE-MOSQUEE DE ZAWAREH, 1135

مسجد جامع اردستان



3: GRANDE-MOSQUEE D'ARDISTAN, 1160



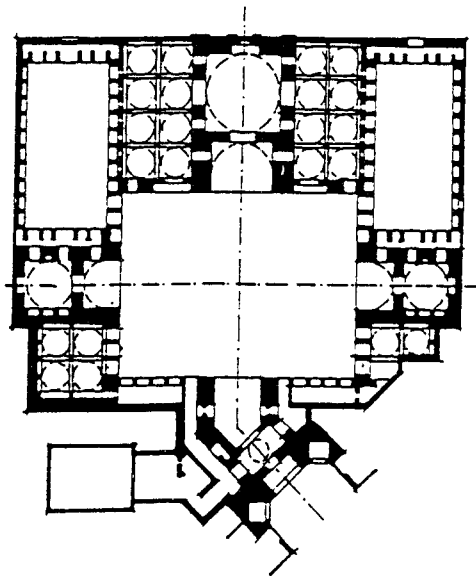
5: MASJID-E GOWHAR-CHAD, 1418

مسجد گوهرشاد



4: GRANDE-MOSQUEE DE NATANZ, 1304

مسجد جامع نطنز



6: MASJID-E SHAH D'ISPAHAN, 1610

Les mosquées cruciformes Iraniennes

شکل ۱. مساجد چهار ایوانی ایرانی

Source: Ulya VOCT. GOKNIL, Grands courants de l'architecture Islamiwue (mosquée), éd Chene, Paris, 1975, 252 p.